

تأثیر انقلاب اسلامی بر حزب النہضۃ تونس با تأکید بر افکار حضرت امام خمینی ره

* محمدجواد رحمانی

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حزب اتجاه اسلامی (النهضۃ) تونس و رهبری آن به تجدید حیات روی آورده و از حالت انفعال و ضعف برای تشکیل حکومت خارج شدند. تأثیر انقلاب با محوریت شخصیت امام خمینی به سرعت در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی و دیگر مصلحان اسلامی سرایت و از طریق سلسله‌مراتبی در میان توده‌های مسلمان پخش شد. در اثر سرایت و پخش انقلاب اسلامی و رهبری بی‌نظیر آن در سه حوزه کلامی، عاطفی و رفتاری، رهبری و حرکت اسلامی النہضۃ تونس اثرات مثبت و قابل توجهی دریافت کردند. در این مقاله به چگونگی انتشار انقلاب اسلامی ایران در تونس براساس نظریه پخش و نگرش سیاسی حاصل از آن بر رهبری حزب النہضۃ پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی ره، اتجاه اسلامی تونس، راشد الغنوشی، نظریه پخش، نظریه نگرش سیاسی.

* عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
mrahmani@miau.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۰ تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۸

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری مکتب سیاسی تشیع در قالب حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه و مؤلفه‌های مشروعیت و مقبولیت، جهان اسلام روح دوباره‌ای گرفت. و به میزان عناصر مشترک جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و ... از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت. در این راستا توده‌ها و احزاب دینی - مردمی شکل‌گرفته در جوامع اسلامی خاورمیانه و آفریقا که به‌واسطه وابستگی شدید قدرت حاکمه آن جوامع به ابرقدرت‌های شرق و غرب و مقایسه پیامد شوم این وابستگی با سرنگونی رژیم شاهنشاهی ایران تحت تأثیر بیشتری قرار گرفته بودند از افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی مردم ایران الگو گرفتند.

نظریه پخش

یکی از نظریه‌های رایج در خصوص توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌ها، نظریه پخش است که در سال ۱۹۳۵ از سوی «هاگر استرنند»، جغرافی‌دان سوئدی، ابداع و عرضه شد. هرچند خاستگاه اولیه این نظریه در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود، اما کاربرد آن به سایر عرصه‌های فرهنگی و رشته جغرافیای انسانی تسری یافته و در موضوعات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز به کار گرفته شده است. (برزگر،

(۳۹: ۴۱ - ۴۲: ۱۳۸۹)

اشاعه یا پخش عبارت است از فرآیندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. گسترش و پذیرش یک اندیشه و نوآوری، یا از طریق انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل صورت می‌گیرد که پخش جایه‌جایی نام دارد و یا از طریق یک فرد مهم و یا توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابد که آن را پخش سلسله‌مراتبی می‌نامند و یا بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب، همانند بیماری‌های مسربی صورت می‌گیرد که آن را پخش سرایتی یا واگیردار می‌گویند. (پانوف و پرون، ۱۳۶۸: ۱۱۳؛ پی‌فارو، ۱۳۷۹: ۵۲)

دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی، از نوع پخش‌هایی هستند که دارای سرعت انتشار بالایی‌اند. در این دو نوع پخش، افکار و اندیشه‌ها و مفاهیم از سرزمین میهمان و جدید هجرت

می‌کند و از آنجاکه هجرت فیزیکی نیست، دارای سرعت انتشار بالایی است. (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۵)

هاگر استرند، نظریه‌پرداز این نظریه، شش عامل حوزه جغرافیایی - پذیرا یا ناپذیرا - زمان، موضوع پخش، مبدأ پخش، مقصد پخش و مسیر پخش را مهم دانسته است، اما عوامل دیگری چون سرعت پخش، موانع پخش و پیش‌بینی اثرات پخش را می‌توان در این نظریه برجسته کرد. (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۳۳) دوری و نزدیکی مسافتی و مکانی به مبدأ پخش اندیشه، گذشت زمان و موانع طبیعی تراوش، از عوامل کاهش‌دهنده پخش می‌باشد. (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۷ و ۴۸)

وقوع انقلاب اسلامی با تکیه بر دو نهاد اسلام و مردم، ضربه سنگینی بر امپریالیسم آمریکا و نظام دیکتاتوری مآب و دست‌نشانده آمریکا وارد ساخت و آنها را در سطح بین‌الملل تحقیر کرد و جهان اسلام به‌طور خاص و جهان را به‌طور عام تحت تأثیر قرار داد. ایران کانون پخش و تراوش حکومت دینی به مقصد کشورهای اسلامی و احزاب و جنبش‌های مردمی مسلمان گردید و باعث مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی یا رفلکسی در مسلمانان شد و در سایه اسلام سیاسی، افراد، مراسم‌ها، مناسبت‌ها، سازمان‌های انقلابی و ... طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در رهبران و روشنفکران دینی از طریق پخش جایه‌جایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی به وجود آورد. (برزگر، ۱۳۸۹: ۶۷ - ۵۶)

نگرش سیاسی (توجهات سیاسی)

نگرش سیاسی یکی از پرکارترین اصطلاحات و مهم‌ترین واحدهای تحلیل سیاسی و روان‌شناسی است که عبارت از ادراک، حالت عاطلفی مثبت یا منفی نسبت به یک رفتار سیاسی و نوعی آمادگی رفتاری نسبت به آن رفتار سیاسی است. ترکیب سه عنصر شناخت، عاطفه و آمادگی برای عمل نسبت به موضوع معین - خواه عینی و واقعی و خواه خیالی - را نگرش شخص به آن موضوع می‌دانیم که از دو بعد شدت یا ضعف و پیچیدگی یا سادگی برخوردارند و نیازها، اطلاعات، تعلق به گروه خاص و شخصیت، عوامل چهارگانه تکوین آن می‌باشند. (برزگر، ۱۳۸۹: ۳۳۲ - ۲۸۲)

به موازات قیام و انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی قُلَّتْ، به دلیل

انعطاف‌پذیری و عدم انحصار و اختصاص ایشان به گروه و فرد خاصی، یک حالت روحی و روانی در سه رکن شناختی، رفتاری و عاطفی در مسلمانان و رهبرانشان برای آمادگی و پذیرش آرمان‌های انقلاب اسلامی ایجاد می‌گردد. همچنین در نوع نگرش سیاسی آنان در بُعد شناختی و کلامی نسبت به کارآمدی دین در صحنه اجتماعی و علاقمندی آنان به احکام دینی و رفتار براساس آن با الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن تغییرات اساسی صورت می‌گیرد.

براین اساس، در این تحقیق با مبنا قرار دادن نظریه پخش (سرایتی و سلسله‌مراتبی)، انتقال و اشاعه افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی با محوریت شخصیت حضرت امام ره و نیز بازخورد شناختی، عاطفی و رفتاری حاصل از آن در جهت‌دهی به نگرش سیاسی جنبش اسلامی - مردمی (اتجاه اسلامی) تونس و رهبری آن پرداخته می‌شود.

معرفی حزب النہضہ یا الاتجاه الاسلامی

علت پیدایش

۱. تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

پس از فتوحات اسلامی و ورود اسلام از طریق خاورمیانه و مصر به کشورهای آفریقا و مسلمانان در تونس اقامت گزیدند. با تسلط سیاسی و نظامی یکصد ساله فرانسه و تأثیرات فرهنگی سکولار و برخورد ایدئولوژی و امگرفته مدرن «بورقیبه» و سنت‌گرایی دینی نهاد حوزه زیتونیه در اوخر دهه ۵۰، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جدیدی در تونس رقم زده شد.

بورقیبه متأثر از آتاتورک، او را «معجزه‌گر»، الگوی ایدئال یک قهرمان، عالی‌ترین رئیس جمهور، رهبر و مرد نبرد میدان توصیف کرد. او با اندیشه سیاسی ناسیونالیسمی اخذشده از غرب و ترکیه و ایدئولوژی اصلاح طلبانه «خیرالدین تونسی» در قرن نوزدهم، استراتژی خود را با حاشیه راندن مخالفان و مبارزان دینی در شهر تونس، پایتخت این کشور، از طریق وارد کردن نمایندگان آن به روند اصلاحات اداری و ارائه اصلاحات الهام‌گرفته از اروپا به جامعه تونسی به پیش برد.

انحصار قدرت سیاسی به حزب حاکم که متشکل از قشراهای طبقه بالای تونس و متمایل به فرهنگ غرب و اندیشه سیاسی سکولار بورقیبه بودند، باعث نزاع میان او و جنبش‌های اسلامی برخاسته از نهاد دینی و اصلی تونس (حوزه زیتونیه) شد که خاستگاه جنبش‌های اسلامی چون یوسفیه، اتجاه اسلامی و النهضه بود. این منازعات باعث اقدامات عمل‌گرایانه و پراغماتیسمی نهاد قدرت با نهاد دینی شد و در نهایت، نهاد دینی به عنوان دستگاهی اداری، هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ کاربردی تابع نهاد قدرت و دولت قرار گرفت.

(غنوشی، ۱۳۷۰: ۱۸ - ۱۱) از جمله اقدامات بورقیبه علیه نهاد دینی عبارت است از:

۱. از میان برداشتن اوقاف اسلامی برای خنی‌سازی زیربنای اقتصادی دین اسلام در تونس در ۳۱ می ۱۹۵۶ م و ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۷ م.

۲. درپیش‌گرفتن سیاست اصلاحی - تربیتی مبتنی بر سکولاریسم با الگوبرداری از فرانسه و تربیت کارشناسان تونسی براساس سیاست فرهنگی مدرنیزاسیون و سکولاریسم و تغییر دانشگاه و حوزه دینی زیتونیه به دانشکده شریعت و اصول دین براساس ساختار غربی در سال ۱۹۵۸ م.

۳. پاکسازی تمام نقش‌های فرهنگی و سیاسی نهاد دینی زیتونیه در فاصله سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۸ م و محافل وابسته به مدرسه زیتونیه. (هرماسی، ۱۹۸۵: ۳۴)

۴. اخذ تصمیمات تند در زمینه‌های قضایی با وارد کردن قوانین سکولاریستی فرانسه در کنار شریعت اسلام از جمله منع تعدد زوجات، تعیین ۱۷ سالگی برای سن ازدواج زنان، قراردادن مهریه یک‌دیناری برای زنان، مجازبودن ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان، دادن حق طلاق به حاکم و نداشتن حق طلاق یک جانبه شوهر.

۵. مخالفت علنی با شرع اسلام و سنت‌شکنی در انتظار مردم از جمله: روزه‌خواری (رمضان ۱۹۶۰ م)، اعتقاد به مانع بودن روزه در برابر تولید اقتصادی، انتقاد از عید قربان و حج به علت زیان‌های بسیار زیاد ارزی، ثابت کردن تقویم قمری و بازداشت مردم از رؤیت هلال ماه با چشم غیرمسلح.

۶. انحصار و دولتی کردن تمام فعالیت‌های مذهبی، عبادی و اجتهادی و نظارت مستقیم نهاد ریاست جمهوری بر آنان از جمله: تبدیل عالمان و مفتیان مذهبی به کارمندان رسمی و

مشاوران دولتی و نماینده رئیس جمهور در کنگره‌ها. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (۱۳۷۳: ۲۵ - ۱۱)

اگرچه سکولاربودن گفتمان سیاست دولت بورقیبه با خلع قدرت و ابعاد سنتی اسلام‌گرایان منافاتی نداشت و براساس منطق عمل‌گرایی، نهاد دینی به عنوان دستگاهی اداری از لحاظ فکری و کاربردی تابع دولت به شمار می‌آمد، اما چالش‌های میان ایدئولوژی سکولار غربی دولت حاکم با میراث فرهنگی عربی - اسلامی مردم تونس باعث قیام‌های مردمی در تونس از جمله قیام مردمی ۱۷ زانویه ۱۹۶۱ در شهر قیروان به رهبری عبدالرحمن خلیف و سرکوبی شدید آن توسط بورقیبه بود.

۲. تحولات اقتصادی دهه ۷۰ و انحطاط ارزش‌های اخلاقی

روی آوردن اقتصاد تونس به بازار سرمایه‌داری جهانی، افزایش درخواست کارهای سرمایه‌داری، مصرف‌گرایی شدید مردم، سودجویی و فرصت‌طلبی صاحبان ثروت، شکست مدرنیزاسیون در روستاهای افزایش شکاف میان طبقات اجتماعی، روند ناهمگون توسعه و تمرکز توسعه در منطقه ساحلی باعث ایجاد بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گسترده در تونس مانند تجربه «سوسیالیسم قانون» از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۹ و خروج زمین‌داران و بازگانان بزرگ از تعاوی‌های کشاورزی شد.

تحولات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دهه ۷۰ باعث شکل‌گیری و رشد جنبش‌های اسلامی تونس در زمان بورقیبه شد که عبارتند از:

۱. تأسیس جمعیت قانونی پاسدار قرآن کریم به رهبری «شیخ الجیب المتساوی» و ایجاد مجله «جوهر الاسلام» در سال ۱۹۶۸ م با ایجاد کلاس آموزشی درسی در مدرسه زیتونیه. ایدئولوژی و استراتژی مستاوی، ورود به حزب حاکم و دستگاه حکومت و متحول‌سازی از درون حزب حاکم و تبدیل شدن به یک نیروی مؤثر بود.

۲. تأسیس حزب اتجاه اسلامی در سال ۱۹۷۰ با ایجاد ماهنامه «المعرفة» به مدیریت «شیخ عبدالقدار سلامه» به رهبری «راشد الغنوشی» و «عبدالفتاح مورو» با تغییر گرایش و انتقال اندیشه اسلامی از مسجد به دانشگاه و جدا شدن از جمعیت قانونی پاسدار قرآن که

متشكل از شیوخ سنتگرای زیتونیه بودند.

حزب اتجاه اسلامی به سبب برخورداری از بُعد معنوی رهبری و بُعد ظاهری تشکیلاتی برخلاف جمیعت قانونی پاسدار قرآن از سوی دستگاه حاکم طرد و مضمحل گردید.

عوامل مهمی که در ایجاد و استمرار این حزب نقش مهمی داشتند عبارتند از:

۱. تأثیرپذیری حزب اتجاه اسلامی از انقلاب اسلامی ایران، هفت سال قبل از انقلاب در زمان اوج مبارزات سیاسی مردم ایران علیه نظام استبدادی.
۲. جوانگرایی در حزب که اکثر آنان، دانشجویان و استادی جوان علیه سیستم آموزشی فرانسه بودند.

۳. تشکیل جلسات حزب در مسجد دانشگاه و تبادل نظریات و در امان ماندن از مخالفت‌های دولت.

۴. تجربه آغاز انتقال اندیشه اسلامی از مساجد به دانشگاه به‌واسطه تجربه عملی غنوشی در فعالیت‌های اسلامی گروه مبلغان پاریس در سال ۱۹۶۹ (گفتگوی چهره به چهره با مردم در دکان‌ها و قهوه‌خانه‌ها).

۵. تأسیس مساجد به‌دست اسلام‌گرایان این حزب در گوش و کنار تونس و آغاز عملیات فتح نهادهای سکولار در تونس.

۶. اتخاذ روش مبارزات سیاسی و پارلمانی برای ایجاد حکومت و تشکیلات اسلامی برای اداره امور کشور مطابق با الگوی پیشینیان در عهد خلفای راشدین.

۷. اتخاذ تصمیمات انقلابی و مورد وفاق همه گرایی‌های فکری موجود در جنبش اسلامی و به رسمیت شناختن حق تنوع، تعدد و اختلاف نظر.

۸. تربیت نسل جوان براساس مبنای اخلاقی، اجتماعی و اسلامی و مبتنی بر نقد مظاهر حیات غرب و انسجام نهاد خانواده. (همان: ۳۷؛ غنوشی، ۱۳۷۰: ۲۹ و ۳۰)

۹. عنصر رهبری و شخصیت جامع و کامل راشد الغنوشی.
با توجه به اینکه جنبش اسلامی تونس، محل تلاقي جریان‌های گسترده فکری و سلیقه‌های سیاسی با افراد گوناگون از جمله عبدالفتاح مورو (صوفی‌مسلک)، عبدالقادر سلامه، خالد بن عبدالله و ... بود، شیخ راشد الغنوشی به عنوان هسته اصلی فعالیت‌های اسلامی در تونس مطرح

می‌شود که علت آن را باید در شخصیت اسلامی کامل‌تر وی نسبت به سایرین جست. شخصیت غنوشی متأثر از دو گرایش سنتی و واپس‌گرایانه «شیخ ناصرالدین آلبانی» در سوریه و «مالک بن نبی» در دهه ۶۰ سوریه و نیز گرایش نوین و مدرن اخوان‌المسلمین و بهویژه افکار سید قطب، ابوالعلاء المودودی و حسن البناء بود.

تأثیر انقلاب اسلامی بر رهبر حزب اتجاه اسلامی و پخش سرایتی انقلاب اسلامی مشکل اساسی راشد الغنوشی در جنبش اسلامی و نکته مهم و مورد اختلاف نظر آنان، مضمون و محتوای جامعه جدید اسلامی و ساختار حکومت دینی بود. در مقابل این ابهام، جریان سکولار و لائیک با تشکیل حکومت به مقابله با شریعت اسلام پرداخته بودند و تدبیر استی تونسی که تربیت صوفیانه مذهب مالکی و عقاید اشعری بر آن غالب بود و نیز گفتمان سلفی اخوان‌المسلمین، برخلاف فعالیت مؤثر و چشمگیر در مرحله پیداش جنبش اسلامی تونس، قادر به گره‌گشایی از مشکلات مردم و مسلمانان در برابر حاکمان ظلم و جور نبود. بنابراین، دو ضعف عمدۀ در جهان اسلام در دهه هفتاد کاملاً مبرز و آشکار بود: یکی در محتوا و ایدئولوژی و دیگری در ساختار بیرونی جنبش اسلامی.

پیروزی انقلاب اسلامی با ایدئولوژی اسلامی شیعی و ساختار جمهوری با محوریت و مرکزیت ولایت فقیه در اندیشه سیاسی غنوشی سرایت و عمدۀ ضعف‌های موجود را برطرف می‌سازد، به‌گونه‌ای که وی خود را به عنوان یکی از شاگردان کوچک علماء و مجاهدین برجسته حرکت تجدد اسلامی معرفی کرده و از رهبری خود بر حرکت اسلامی بعد از انقلاب ایران احساس ناتوانی می‌کند و نظریه پیوستگی تمام حرکت‌های اسلامی معاصر را در روش‌ها و برنامه‌ها، برخلاف برخی از گرایش‌ها مطرح می‌کند. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۲۶ - ۲۴) طرح اندیشه ولایت فقیه و پیاده شدن الگوی عملی حکومت اسلامی در ایران، غنوشی را به تحسین از امام قائد و مردم ایران وا داشته و می‌گوید:

نقش امام خمینی در ایجاد حکومت اسلامی ایران به راستی فوق العاده عظیم بود... خطمنشی او توانسته است پس از قرن‌ها شیعه را به جایگاه خود در تاریخ اسلام بازگرداند. او توانست این کار را با زنده کردن فلسفه غیبت امام در قالب

ولایت فقیه به انجام برساند. (مرتضایی، بی‌تا: ۷۶) در تاریخ معاصر اسلام، این نخستین بار است که ... اسلام توانسته است هم از جنبه تئوریک و هم از بُعد عملی مصدق پیدا کند. (غنوشی، ۱۳۶۹: ۴۷)

موقعیت زمانی انقلاب اسلامی در تأثیربخشی بر حرکت اسلامی تونس

یکی از عوامل مهم سرایت ایده‌های انقلاب اسلامی ایران در حرکت اسلامی مردم تونس و شخصیت غنوشی، موقعیت زمانی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ است. در آغاز دهه هفتاد با رشد اسلام‌گرایی در مردم تونس، قدرت حاکم تمام سمبول‌های سکولار را بر جامعه و فرهنگ دینی حاکم ساخته و فرهنگ اسلامی مردم را به غارت و ساختارهای تربیتی و فرهنگی را براساس بی‌هویتی در مورد مسلمانان، زنان و جوانان اجرا کرد و توانست آسیب‌های زیادی از سکولاریزاسیون در تونس ایجاد کند. این اقدام دولت تونس و حرکت مردم علیه آن، همزمان با انفجار عظیم نور در ایران همراه شد، به‌گونه‌ای که گفتمان ایران پس از انقلاب اسلامی مورد تقدیس غنوشی و دیگران قرار گرفت؛ زیرا این گفتمان، اسلامی بوده و براساس این اصل ساده بود که «اگر اسلام اجرا نشود، شکست حتمی و فساد همه‌جا را خواهد گرفت». (غنوشی، ۱۳۷۰: ۳۵؛ محمدی، ۱۳۸۶: ۲۹۰)

ناکارآمدی اندیشه جنبش سیاسی مصلحان و کارآمدی اندیشه انقلاب اسلامی
از نکات مهم الهام‌گیری غنوشی از انقلاب اسلامی، ناکارآمدی رایج بودن تفکر جنبش اسلامی بدون چارچوب سازمانی در میان اکثر مردم بود؛ زیرا اندیشه اخوان‌المسلمین، مدخلی اساسی برای دگرگونی نوع نگرش فرد و گروه به مسائل اسلامی ایجاد می‌کرد. غنوشی در این رابطه می‌نویسد:

با وقوع حوادث ۲۶ زانویه ۱۹۷۸ و آشکار شدن اولین نشانه‌های انقلاب [اسلامی] ایران و انتشار اولین شماره‌های مجله «المسلم المعاصر» پرسش‌های تازه‌ای به وجود آمد و اختلافات میان جنبش‌های اسلامی و مكتب اخوان به‌طور نسبی افزایش یافت. چارچوب‌هایی که در سیستم سازمانی اخوان کاملاً ثبت شده بود، از درک این تحولات ناتوان بود و همین ناتوانی موجب شد جنبش

اسلامی فعالیت‌های خود را به طور کامل از اخوان‌المسلمین جدا کند و فعالیت‌های مستقلی را بنیان نهاد که بعد از آن به فعالیت‌های اسلام‌گرایانه ترقی خواه معروف شد. با این حال، بدنی اصلی این جنبش نتوانست استقلال فکری و سازمانی خود را بازیابد، هرچند نهادهای وابسته به این جنبش، پس از عملیات جدایی از اخوان می‌کوشیدند این مهم را محقق سازند. عوامل بیرونی که به تدریج خود را بر جنبش اسلامی تحمیل می‌کردند، در این عدم دستیابی به استقلال نظری و سازمانی تأثیر داشتند و از سوی دیگر، پرسش‌های عناصر درونی این جنبش نیز روزبه روز افزایش می‌یافتد، اما با شتاب گرفتن تحولات سیاسی و اجتماعی در پایان دهه ۷۰ رهبران جنبش اسلامی نیز به فعالیت‌های سیاسی علنی روی آوردند... و خواستار برپایی دولت اسلامی شدند.

(غنوشی، ۱۳۷۰: ۴۷)

تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی بر غنوشی و حزب اتجاه اسلامی

انقلاب اسلامی مردم ایران، معادله مبارزاتی جنبش اسلامی تونس را از حالت حداقلی جنبش سیاسی به حالت حداقلی تأسیس نظام اسلامی درآورد و بدنی کلی جریان اسلام‌گرا را به غنوشی به عنوان یک رهبر، متمایل ساخت. غنوشی در سال ۱۹۷۸ از این جریان، یک سازمان سیاسی جدید به نام النهضة (اتجاه اسلامی) به وجود آورد که برخلاف گروه «اسلام‌گرایان ترقی خواه» به رهبری «حمیده النیفر» و «صلاح الجورشی» مفهومی مترقی از اسلام و دین داری توده مردم را ارائه می‌داد (همان: ۴۶ - ۴۸) و جامعه اسلامی را دارای الگوی ساختاری ایدئال برگرفته از دین الهی و بی‌نیاز از نظریه‌های ایدئولوژی مارکسیستی و کمونیستی می‌دانست.

حزب اتجاه اسلامی سه سال پس از انقلاب اسلامی ایران در ۶ ژوئن ۱۹۸۱ مهم‌ترین مبانی خود را این‌گونه بیان می‌دارد:

۱. رد اصول سکولاریسم؛
۲. ارتباط و پیوند با تمام مسلمانان جهان؛
۳. به رسمیت نشناختن قومیت عربی و تحکیم روابط با تمام مسلمانان جهان؛
۴. نگرش به مسئله فلسطین به عنوان ثمره انحراف تمدنی و فرهنگی و آزادی فلسطین از

طريق آزادی اعراب از بند استعمار؛

۵. تعامل سازنده با تمام تونسی‌ها و عدم طمع ورزی؛

۶. احیای هویت و تمدن اسلامی در پرتو اصول ثابت و متقاضیان حیات نوین؛

۷. بازستاندن حقوق مشروع مردم در تعیین سرنوشت بدون هیچ‌گونه تأثیرپذیری از شرایط

و فضای داخل یا نفوذ بیگانه؛

۸. رد خشونت؛

۹. حمایت و مساعدت جنبش‌های آزادی‌خواه جهان. (همان: ۵۹ - ۵۳)

حرکت حزب اتجاه اسلامی به رهبری غنوشی براساس اصول دینی و ساختار منسجم درون‌حزبی و اجرای روش سیاسی در صحنه واقعیت جامعه، از جمله درخواست همه‌پرسی در مورد مجله «الاحوال الشیخة للمرأة» باعث واکنش مقامات تونسی و دستگیری رهبران آن شد و آنان متهم به بربایی یک نظام اسلامی به تأسی از ایران شدند. (همان: ۶۲ - ۵۹)

بنابراین، موضوع و ایده تشکیل نظام اسلامی در اندیشه سیاسی غنوشی و حزب وی باعث تأثیر انقلاب ایران بر آنان شد و این امر باعث بحران میان دولت و جنبش اتجاه اسلامی و متهم کردن آنان به توطئه‌چینی برای صدور انقلاب اسلامی ایران به تونس و سرنگونی نظام حاکم در این کشور آفریقایی گردید.

موانع تأثیر انقلاب بر حرکت اتجاه اسلامی تونس

محکوم شدن جنبش اسلامی، زندانی و محکومیت ابد غنوشی، قطع روابط تونس با ایران (۱۹۸۷) و تثبیت حکومت سکولارها مخصوصاً در دولت بن‌علی، از جمله موافع دولتی حکومت سکولار تونس بر حرکت اسلامی تونس می‌باشد. دولت با متهم کردن این جنبش و رهبران آن به اعمال خشونت، ارتباط با ایران، ارتجاع، تعصب و عقب‌ماندگی سنتی و فریبکارانه بودن شعارهای آن، موافع زیاد دیگری را در جنبه‌های قانونی و حقوقی بر آنان به وجود آورد. همچنین باعث شد تا این حرکت بیداری اسلامی تحت فشارها و بعض‌اقدامات حقوق بشری از آرمان‌های عالی خود در دولت بورقیبه فاصله بگیرد. این جنبش با آزادی غنوشی در سال ۱۹۸۴ م به مناسبت هشتاد و یکمین سال روز تولد بورقیبه و با تغییر تاکتیک از

مرگ سیاسی خود نجات پیدا کرد تا در فرصت مناسب ایدئولوژی خود را دوباره با اتخاذ روش سیاسی معتقدانه ادامه دهد.

این تغییر تاکتیک در جنبش اتجاه اسلامی در سال ۱۹۸۴م آنان را به یک جنبش سیاسی رادیکال انقلابی علیه نظام حاکم تبدیل کرد و خود یک مانع قوی درونی برای تأثیرپذیرفتن از انقلاب اسلامی ایران شدند، به گونه‌ای که در میان آنان در سه مسئله اساسی نوع فعالیت‌های سیاسی، اختلافات نظری فقهی و اختلاف در موضوع رهبری جنبش بحث‌هایی ایجاد شد.

اما آنچه که مانع اصلی در راه گفتمان حرکت اتجاه اسلامی تونس در سه دهه قبل قرار گرفت و هدفش خشکاندن سرچشممه این حرکت و تفوق و برتری بر آن بود، دولت کودتاگی بن‌علی (۱۹۸۷م) است. این دولت با اعمال فشارها و خشونت‌های بسیار زیاد باعث افول قدرت غنوشی و در موضع ضعف قرار گرفتن وی شد، به گونه‌ای که مجبور به اتخاذ برخی تصمیمات از سر ضعف و ناچاری گردید. از جمله، شرط تغییر نام از اتجاه اسلامی به جنبش بیداری را پذیرفت و در نتیجه پس از گذشت سه سال از حکومت بن‌علی، حاکمیت از جنبش اسلامی به کمونیست‌های افراطی منتقل شد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳: ۸۷ – ۶۸)

علت این اقدامات را می‌باید در اندیشه سیاسی غنوشی جستجو کرد که بین دو مقوله «حرکت اسلامی» و «ملت اسلامی» تفکیک قائل می‌شود. به نظر او، ضمن تأکید بر صیانت از حرکت اسلامی به مثابه یک جنبش اسلامی، باید به سمت و سویی رفت که شاهد حاکمیت اصول و ارزش‌های فraigیر اسلام در جهان باشیم؛ تصویری مشابه با وضعیت لیبرال - دموکراسی در عصر حاضر اما با محتوا و جوهره اسلامی که علی‌رغم وجود کشورهای ملی مختلف، حکایت از وجود نوعی تمایل و گرایش به سمت آموزه‌های غربی دارد. اگر چنین حالتی بدون تمسک به عنصر اجبار که لیبرال - دموکراسی به کار گرفته محقق شود، در آن صورت، «حکومت اسلامی» که بیشترین معنای «حاکمیت آموزه‌های اسلامی را می‌رساند، محقق می‌شود. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۱۱۰ – ۵۰)

تفسیر غنوشی از حکومت اسلامی بیشتر ناظر بر «یک وضعیت» تا یک «نهاد و سازمان» است. اما در جنبه نهادی، وی شکل‌گیری نظام‌های ملی با رعایت حقوق اولیه اسلامی

شهروندان و ایجاد رابطه متقابل مناسب را امری مشروع قلمداد می‌کند. غنوشی با این استراتژی از همتایان پاکستانی و مصری خود (جماعت اسلامی و اخوان‌المسلمین) فاصله می‌گیرد و به تأیید الگوی ملی از حکومت با رعایت اصول کلان اسلامی که در راستای نیل به برتری اسلام در گستره جهانی است، رضایت می‌دهد. حمایت و تجلیل او از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن نیز درواقع ریشه در این بینش غنوشی دارد و باعث می‌شود با وجود اختلافات مذهبی، بر آن تأکید و تصریح کند. (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۹۰) در اندیشه سیاسی غنوشی به عنوان یک مصلح اسلامی، پدیده امام خمینی^{فاطمی} نمایانگر تحولی مهم در سطح بین‌الملل و منطقه به‌طور گسترده است. (مرتضایی، بی‌تا: ۷۶)

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نگرش سیاسی اتجاه اسلامی

با توجه به بازتاب و تأثیر انقلاب بر جنبش اتجاه اسلامی تونس و الگوگیری آنان، گرایش این حزب مخصوصاً رهبر آن، هم در حوزه کلامی و هم در زمرة رفتاری و نیز در حوزه عاطفی، تأثیرات روانی مشتبی بر جای گذاشته است؛ به گونه‌ای که این جنبش با تأسی از انقلاب اسلامی در کارآمدی و توانمندی عملی اسلام برای تشکیل حکومت، میل به تغییر حکومت دیکتاتوری بن‌علی و تضعیف تأثیر ابرقدرت‌های جهانی در چند ماهه اخیر در خیش سراسری تونس پیشقدم بوده و خواهان تشکیل کشور اسلامی و مستقل می‌باشند. چارچوب تأثیرات روانی انقلاب اسلامی در حوزه‌های سه‌گانه مذکور را براساس اندیشه سیاسی غنوشی نسبت به انقلاب بدین شرح دنبال می‌کنیم:

۱. نگرش کلامی

در حوزه تأثیر کلامی و شناختی اندیشه‌های امام خمینی^{فاطمی} بر رهبری حزب اتجاه اسلامی تونس، آن گونه که گذشت، غنوشی معتقد به ضرورت تجدید حیات امت اسلامی در دوران معاصر است؛ زیرا با وجود قانون جامع الهی و وجود شخصیت‌های بر جسته اسلامی برای تبیین قانون الهی و پیوند میان امور متحول زمان با احکام ثابت دینی، جایی برای ایستادی و عقب‌ماندگی مسلمانان وجود ندارد. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۲۵ – ۱۸) غنوشی با تبیین اصل سیاسی

بودن اسلام و زنده کردن فلسفه غیبت امام در قالب ولایت فقیه توسط امام خمینی، سعی زیادی برای نفی دیدگاه سکولار در حوزه اندیشه سیاسی رایج اهل سنت داشته و با غیرممکن بودن نظام خلافت در عصر حاضر (علیخانی و صدیقی، ۱۳۸۱: ۲۹) از حکومت اسلامی به عنوان حکومتی مبتنی بر مشروعيت دوگانه به احکام الهی و انتخاب مردمی یاد می‌کند که براساس آیات و روایات مربوط به شورا و مشورت و نیز حجیت شورا و رأی مردم، تأسیس می‌گردد (غنوشی، ۱۳۸۱: ۲۳ - ۱۱)

تأثیر عمیق انقلاب اسلامی در حوزه کلامی بر غنوشی تا آنجاست که وی به تجدید حیات امت اسلامی به شکل احیا و آغاز تمدن جدید اسلامی می‌اندیشد. او نماینده این تجدید شکل امت اسلامی را تشکل مهم اخوان‌المسلمین، جماعت اسلامی پاکستان و حرکت اسلامی ایران می‌داند که با اهداف و برنامه‌های مشترک برای برپایی جامعه اسلامی و داشتن مواضع انقلابی در صدر ایجاد دولت اسلامی می‌باشد.

تشکلی که در مقام عمل، موفق به ایجاد حکومت اسلامی می‌شود، حرکت اسلامی ایران است که برای اولین بار تجربه حکومت اسلامی را به تجارب حرکت اسلامی تونس و سایر کشورها افروزد. غنوشی در این باره می‌گوید:

در تاریخ معاصر اسلام این نخستین بار است که جنبش اسلامی قدرت آن را پیدا کرده است که انقلابی را شکل داده و توسط شیوه‌های مردمی پیاده کند؛ در نتیجه می‌توان گفت که با حرکت اسلامی مردم ایران، اسلام توانسته است هم از جنبه تئوریک (نظری) و هم از بعد عملی مصدق پیدا کند. (مرتضایی، بی‌تا: ۷۶)

غنوشی با درک صحیح از حرکت امام خمینی، جوهره کلامی و اعتقادی عمیقی از انقلاب اسلامی را برداشت کرده است. وی ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران را درک فraigیر از اسلام، قیام برای اعتلای کلمه الله، مخالفت با اندیشه سکولاریسم، برپایی دولت جهانی اسلامی، توجه به مسئله فلسطین، مبارزه بی‌امان با فقر و اسراف و تبذیر، مردمی بودن قیام و رهایی مسلمانان از وابستگی سیاسی و اقتصادی به شرق و غرب می‌داند. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۱۸ - ۲۵)

غنوشی معتقد است که انقلاب اسلامی ایران توانست اسلام را که ابزاری برای شکستن وحدت ملت اسلام در دست ارتیاج غرب بود، آزاد سازد. به عقیده وی، انقلاب اسلامی چنان از میراث فرهنگی و سیاسی اسلام بھرہ برده که توانسته نهادهای سیاسی نیرومندی چون بسیج جوانان انقلابی، کمیته‌های انقلاب، تشکیلات مخفی و نهانی، حسینه‌ها، مساجد و نوبسندگان انقلابی را به وجود آورد. همچنین مردم را در یک مجموعه سیاسی، اقتصادی و تربیتی جای داد و همگان برتری و رهبری امام را پذیرفته و پیوند ناگسستنی بین رهبر و مردم ایجاد کرد. (غنوشی، ۱۳۸۱: ۳۵ - ۲۵)

۲. نگرش عاطفی

تأثیر شناختی و کلامی شخصیت امام رهنما و انقلاب باعث احساسات خوشایند و محبت‌انگیزی در شخصیت راشد الغنوشی شده، به گونه‌ای که در ملاقات با بنیانگذار انقلاب، احساس و شور خاصی در او برانگیخته می‌شود و با شیفتگی هرچه تمام به تحسین و تکریم امام، انقلاب و مردم ایران می‌پردازد. او شخصیت امام را تحقق بشارت پیامبر اعظم صلوات الله علیه و آله و سلم می‌داند که فرمودند:

«ان الله يبعث هذه الامه علي رأس كل مئه سنه من يجدد لها دينها». (ابی داود، روایت ۴۲۹۱: ۱۴۱۶)

در هر یک صد سال خداوند کسی را می‌فرستد که دین وی را احیا کند.

از این‌رو، شخصیت امام را منظره زیبایی از شکوه و عظمت قدرت اسلام با از بین رفتن

هرگونه برتری جویی و فرقه‌گرایی و مذهب‌پرستی ترسیم می‌کند.

تأثیر عاطفی امام بر غنوشی باعث می‌شود که او هر مصلح اسلامی در کشورهای اسلامی را خمینی بداند و از مسلمانان می‌خواهد خصم و فداری به انقلاب اسلامی ایران آن را به عنوان هدیه الهی پاس داشته و در حرکت‌های اسلامی خود به مرحله تهاجمی گام گذارند.

(غنوشی، ۱۳۷۰: ۵۰ - ۴۵)

در همین راستا غنوشی ملت ایران را دارای اصالت اسلامی و پیرو مذهب تشیع جعفری می‌داند که از تأثیرات معنوی شگفت‌آور مکتبی برخوردار است. این ملت با پیروی از رهبری

بی‌نظیر و فوق العاده معنوی امام و اخلاص در دفاع از آرمان‌های آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی، مبارزه الهی را علیه برده‌گی برای امپریالیسم جهانی آغاز کرده‌اند؛ انقلاب آنان انقلابی پیش‌تاز در حرکت جهان اسلام مبتنی بر تشیع با هدف برانگیختن روح اسلامی و بیداری امت اسلامی و هدایت آنان تا رسیدن به تمدن جهانی است. (همان: ۶۸ – ۵۷)

۳. نگرش رفتاری

نگرش کلامی و عاطفی برخاسته از انقلاب در شخصیت غنوشی باعث رفتارهای خاصی از سوی این شخصیت از ابتدای انقلاب تاکنون شده است. در اوایل انقلاب و اوج مبارزات مردمی علیه نظام استبدادی شاه، وی وظیفه کشورهای عربی در جنگ رمضان علیه اسرائیل را به تأسی از امام رهبر، توکل بر خداوند در عین بسیج تمام نیروهای مردمی و وسائل لازم می‌داند. (مجله الاخبار، سال سوم، شماره ۲)

عمل‌گرایی براساس قرآن و سنت از دیگر شاخصه‌های نگرش رفتاری غنوشی است. او با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی تلاش فراوانی برای وحدت اسلامی و زدودن مسائل فرقه‌ای و تعصبات مذهبی انجام داد. وی در این باره می‌گوید:

ما می‌خواهیم که حکومت اسلامی مطابق اصول اسلامی، آن‌طور که بر پیامبر نازل شده است برقرار سازیم و در نزد ما شیعه و سنی فرقی ندارد؛ چراکه این مذاهب در زمان پیامبر وجود نداشته است (مجله الامان، شماره ۵) و اصل اساسی برای عملکرد، دوران پیامبر نه و امام علی علیه السلام است. (روزنامه لوموند، شماره ۱۰۳۴۳)

موقع غنوشی و حزب وی در حمایت از ایران مخصوصاً در جنگ تحملی از دیگر شاخصه‌های رفتاری مثبت وی می‌باشد. ایشان با تقبیح عمل خصم‌مانه کشورهای عربی و اروپایی علیه انقلاب اسلامی، حمایت از ایران را بدون کمترین تردید خواستار می‌شود؛ زیرا محرك اصلی آن، اسلام بوده و چشم امید مستضعفان عالم به آن دوخته شده است و هرگونه موضع‌گیری دوپهلو و متعصبانه، مردود می‌باشد. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۱۶۸ – ۱۶۵)

تأثیر ژرف رفتاری انقلاب بر اتجاه اسلامی تونس و رهبری آن را می‌توان در تغییر نام

این جنبش به «النهضه» و سازماندهی جوانان انقلابی برخلاف عدم اهمیت مصلحان سنتی مذهب برای سازماندهی و تشکیلات (همان: ۳۵) دانست؛ به گونه‌ای که غنوشی خواستار اقدامات تهاجمی حرکت‌های اسلامی در شرایط کنونی بیداری اسلامی در خاورمیانه می‌باشد که طبق تفسیر جدید از شریعت اسلام و براساس شرایط واقعی زمان و مکان و پرهیز کردن متفکران تونس و اسلام از محدود کردن اندیشه اسلامی خود صورت خواهد پذیرفت.

نتیجه

پیروزی انقلاب اسلامی، روح تجدید حیات امت اسلامی را در زمان غیبت در سایه رهبری دینی به اثبات رسانید و چشم تمام مسلمانان به آن دوخته شد. مصلحان مسلمان نیز که در هدف و مقصد خود دارای برنامه‌های مشترک بودند، با تأثیر از انقلاب و مواضع انقلابی و تشکیلات جدید به تجدید حیات اسلام بعد از فروپاشی حکومت عثمانی پرداختند. هدف، مقصد، موضع انقلابی و تشکیل حکومت اسلامی از عوامل بسیار مهم سرایت و پخش انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌های مردمی و رهبران آنان شد.

وضعیت اسفبار فرهنگی جامعه سکولار ایجاد شده در تونس و همزمانی این اتفاقات با اوج مبارزات انقلاب اسلامی، سرعت پخش و سرایت انقلاب را در مردم مسلمان تونس زیاد کرد و حرکت اتجاه اسلامی و «النهضه» به رهبری راشد الغنوشی شکل تهاجمی به خود گرفت. تأثیر بسیار زیاد غنوشی از امام قاسمی و انقلاب اسلامی و ملاقات وی با حضرت امام قاسمی پخش سلسله مراتبی را در این جنبش سرعت بخشید و در حوزه نگرش‌های کلامی، عاطفی و رفتاری آنان به طور کاملاً مشهودی تغییرات اساسی ایجاد کرد. این تغییرات با بیداری اسلامی مردم تونس در چندماهه اخیر و بازگشت غنوشی به این کشور و دیدگاه و نحوه عملکرد و اتخاذ تصمیمات سیاسی آن در انقلاب مردم، بیانگر عمق تأثیر شخصیت امام قاسمی بر وی و پخش ایده‌های انقلاب اسلامی در میان حزب النهضه و مردم تونس است.

مراجع و مأخذ

۱. ابی داود، ۱۴۱۶ هـ.ق، سنت، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۴، مصالحت و سیاست، رویکردنی اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. بزرگر، ابراهیم، ۱۳۸۹، روانشناسی سیاسی، تهران، سمت، چ دوم.
۴. پانوف، میشل و میشل پرون، ۱۳۶۸، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسکری خانقاہ، تهران، نشر ویس.
۵. بی فرارو، گری، ۱۳۷۹، انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران، سمت.
۶. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، تونس، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۷. روزنامه لو موند، پاریس، شماره ۱۰۳۴۳ <http://www.lemonde.fr>
۸. شکویی، حسین، ۱۳۶۴، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. علیخانی، علی‌اکبر و صابر صدیقی، ۱۳۸۱، رشد الغنوشی در اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۱۰. غنوشی، راشد، ۱۳۶۹، حرکت اسلامی تونس، تهران، بولتن سیاسی وزارت امور خارجه.
۱۱. _____، ۱۳۷۰، حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلامی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۲. _____، ۱۳۸۱، آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. مجله الاخبار، بیروت، سال سوم، شماره ۱۲ <http://www.al-akhbar.com>
۱۴. مجله الامان (هفته‌نامه سیاسی)، بیروت، شماره ۵ <http://www.al-aman.com>
۱۵. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۶، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
۱۶. مرتضایی، علی‌اکبر، بی‌تا، امام خمینی علیه السلام در حریق دیگران، بی‌جا.
۱۷. هرماسی، عبداللطیف، ۱۹۸۵، الحركة الاسلامیة فی تونس، بی‌جا.